



اشاره

جانباز مریم پیری یکی از هزاران هزار زن مقاوم و ایثارگری است که دوران هشت سال دفاع مقدس را با تمام وجود لمس کرده است و سختی‌ها و حوادث بی‌شمار و تلخ آن دوران از او زنی مقاوم‌تر در عرصه زندگی و تداوم آن پس از گذشت سالیان سال از ایام جنگ تحمیلی عراق بر ایران ساخته است. بنا به گفته خودش ضمن اینکه ۱۸ اسفندماه سال ۱۳۶۲ در کرمانشاه به دنیا آمده است. ابتدا ساکن محله «چم خانه» کرمانشاه بوداست، در آن ایام و به دلیل شدت حملات هوایی رژیم بعث عراق به کرمانشاه، اهالی این شهر اکثرا کوچ کرده بودند، تا اینکه اصابت یکی از موشک‌های عراق به محله زندگی او خانواده‌اش خسارات زیادی وارد کرده به طوری که تمام اهالی، خانه‌هایشان را تخلیه کرده و از ترس اینکه موشک خشتی نشده ممکن است به آنها صدمه بزند به مناطق دیگر کرمانشاه کوچ می‌کنند. پدر مریم نیز خانواده را به شهر «هرسین» برده و در خانهای اجاره‌ای ساکن می‌کند. اما خودش به دلیل شغلش در کرمانشاه می‌ماند و مریم به همراه مادر، دو خواهر و برادرش در خانه جدید و به دور از پدر زندگی می‌کنند. و اما مریم درخصوص حادثه‌ای که منجر به جانبازی او و شهادت جمعی از خانواده و جانبازی آن‌ها می‌شود می‌گوید:

«هوایماها بمب‌های‌شان را رها کردند

جانباز مریم پیری در گفتگو با ما در خصوص جانبازی‌اش می‌گوید:

طبق یک مراسم سنتی که در آن دوران در کرمانشاه مرسوم بود، هر زائری از مشهد می‌آمد، تمام قامیل و بستگان را دعوت می‌کرد و با قربانی کردن گوسفند و دادن ولیمه، سوغاتی‌های مشهد را به میهمانان هدیه می‌داد. میهمانان هم با اهدا چشم روشن‌ش به زائر، تشرفش به زیارت امام (رضاع) را تبریک می‌گفتند.

«درست وقتی که عده‌ای از بستگان داخل اتاق‌ها و تعدادی هم در حیاط خانه بودند، بمباران هوایی عراق شروع شد و با برخورد بمب در یک چشم برهم زدن، خانه، تبدیل به ویرانه شده و بر اثر اصابت موج انفجار بمب‌ها، سر و صدا و آه و ناله میهمانان در هوا پیچید

۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۴ بود که دختر عمومی پس از بازگشت از سفر مشهد ما را به میهمانی زواری در کرمانشاه دعوت کرد. ما هم رفیقیم و بعد از دید و بازدیدهای معمول، ناهار را دسته جمعی خوردیم و بعد از دو ساعت، درست وقتی که عده‌ای از بستگان داخل اتاق‌ها و تعدادی هم در حیاط خانه بودند، بمباران هوایی عراق شروع شد و با برخورد بمب در یک چشم برهم زدن، خانه، تبدیل به ویرانه شد. بر اثر اصابت موج انفجار بمب‌ها، سر و صدا و آه و ناله میهمانان در هوا پیچید. من درحیاط خانه در آغوش عمام بودم. او روی من خیمه زده

جانباز جنگ تحمیلی، مریم پیری:

اصلاً دلم نمی‌خواهد آن روزها تکرار شوند و دوباره جنگی رخ بدهد

***حسن شکیب‌زاده**

***وقتی هوایماهای جنگی عراق بمب‌های‌شان را رها کردند، خانه بر روی میهمانان و صاحبخانه آوار شد و پاهای و اجزای بدن‌ها بر زمین افتاده و گردوغبار و خون‌همه‌جا را فرا گرفته بود**

مادر به خانه آمد و بعد از اینکه متوجه شد به صداها، واکنشی نشان نمی‌دهم، مرا به پزشکی متخصص نشان داد و پس از معاینه گفتند بر اثر حادثه‌ای که رخ داده، پرده گوشم پاره شده که پس از انجام درمان‌های لازم و مستمر، بخشی از شنوایی‌ام را به‌دست آوردم اما درحال حاضر چهل‌درصد شنوایی ندارم.

به هنگام وقوع حادثه من فقط سیزده ماه داشتم و خیلی از نقل‌قول‌ها را از زبان حاضران تعریف کردم. اما آن روز، هشت تن از بستگانمان به شهادت رسیده و بیش از این هم مجروح و جانباز شدند.

***روزهای سخت و دشوار**
روزهای وحشتناکی بود و خیلی سخت و با دشواری گذشت. در طول دوران دفاع مقدس حداقل شانزده تن از بستگان نزدیکمان به شهادت رسیده و تعدادی بیش از اینها نیز جانباز جنگ تحمیلی شدند. و اما امروزها که به سال‌های آوارگی، بی‌سروسامانی و بی‌کسی‌ام فکر می‌کنم و حوادث آن ایام در مقابل چشمانم رژه می‌رود، اصلاً دلم نمی‌خواهد آن روزها تکرار شوند و یا دوباره جنگی رخ بدهد، چرا که هر چه صلح و آرامش برقرار باشد، انسان‌ها احساس سرزندگی، آرامش و امنیت بیشتری دارند و امروز همه داشته‌ها و نعمت‌هایمان، مدیون همت بلند تمام رزمندگان دوران جنگ، به ویژه ایثار شهیدا و نتیجه‌ی مصیبت‌ها و سختی‌هایی می‌دانم که مادران و پدران ما در آن دوران متحمل شدند.

من که فریب‌د زدم عده‌ای دورم جمع شدند و گفتند: «مادر اشتباه می‌کنی او ساعت‌ها است که مُرده و نفس نمی‌کشد». احساس کردم شاید آنها فکر می‌کنند من روانی شدم، هذیان می‌گویم، اما من به حرف‌هایشان گوش نکردم و پسرم را از کنوی سردخانه بیرون کشیدم و با قدرت تمام خون‌های دهان و گلویش را بیرون کشیدم تا نفس بکشد. آنها وقتی تلاش مرا دیدند، به مکم آمدند و بهمین را به بیمارستان منتقل کردیم. آنجا هم پس از معاینات لازم، آثار حیات را دیدند و به دلیل اینکه تمام بدنش یخ زده بود و کاری از دستشان برنمی‌آمد که برایش انجام دهند، او را به همراه تعدادی از مجروحان بدحال یا هوایما به بیمارستان پارس تهران منتقل کردند. بهمین ترکش‌های زیادی به بدن، به‌خصوص سروصورتش خورده بود، به طوری که تمام سرش را بچیه زده و پانچیپی کرده بودند و تمام مفصل‌هایش شکسته بود. بسا این احوال او را درمان کردند و عمل‌های مختلف روی جراحاتش انجام شد که پس از ۴۰روز از کما بیرون آمد، به هوش آمد و به زندگی بازگشت.»

اما از طرفی، عمامه که مرا در آغوش گرفته و محافظت کرده بود تا کمتر آسیب ببینم، با

***و اما امروزها که به سال‌های آوارگی، بی‌سروسامانی و بی‌کسی‌ام فکر می‌کنم و حوادث آن ایام در مقابل چشمانم رژه می‌رود، اصلاً دلم نمی‌خواهد آن روزها تکرار شوند و یا دوباره جنگی رخ بدهد، چرا که هر چه صلح و آرامش برقرار باشد، انسان‌ها احساس سرزندگی، آرامش و امنیت بیشتری دارند**

دیدن جراحات وارده و ترکش‌هایی که به پا و سروصورتم خورده بود مرا به بیمارستان برد و آنجا هم بدون اینکه متوجه پاره‌شدن پرده گوشم بشونم، سربایی محل زخم‌هایم را پانسمان کردند و مرا به خانه فرستادند. بعد از چهل‌روز که بهمین بهبودی نسبی پیدا کرد،

***بالاخره در سردخانه را باز کرد و داخل شدیم. اولین کنشوی جنازه‌ها را که بیرون کشید دیدم بهمین زیر چند دست و پا خوابیده است، خم شدم که او را ببوسم، احساس کردم نبضش خیلی کم و به ندرت می‌زند، فریاد زدم «پسر من زنده است، پسرم زنده است، چرا او را در سردخانه گذاشته‌اید؟»**

ولسی هیچ‌کس او را نمی‌شناخت و اطلاعی از وضعیتش نداشت. شروع کردم به داد و فریاد، گریه و التماس که من پسرم را می‌خواهم. نگرانی بیش از حد مرا که دیدند، گفتند: «شاید برده‌اند سردخانه». تمام بدنم گز گرفته بود، مگر می‌شود پسرم که فقط سه، چهار سال دارد را از دست داده باشم؟ پس از پرس‌وجو از این و آن بالاخره سردخانه را پیدا کردم، کارگری آنجا، حال و روز مرا دید، اول اجازه نمی‌داد که وارد سردخانه شوم و می‌گفت: «آنجا پُر از دست و پا و بدن‌های قطعه قطعه شده است، چطور می‌خواهی پسرتر را شناسایی کنی؟» ولی من مرتب به سر و صورتم می‌زدم و می‌گفتم: «می‌خواهم پسرم را ببینم و اگر شهید شده است او را ببرم و دفن کنم.» که بالاخره در سردخانه

را باز کرد و داخل شدیم. اولین کنشوی جنازه‌ها را که بیرون کشید دیدم بهمین زیر چند دست و پا خوابیده است، خم شدم که او را ببوسم، احساس کردم نبضش خیلی کم و به ندرت می‌زند، فریاد زدم «پسر من زنده است، پسرم زنده است، چرا او را در سردخانه گذاشته‌اید؟»

نفر را نیز در این رابطه دستگیر کردند. فرمانده مرزبانی فراجا گفت: در ۴۵ روز اخیر مرزداران غیور ایران اسلامی ضمن انهدام چندین باند قاچاق سلاح و مهمات توانستند تعداد قریب به ۶۰۰ قیضه سلاح جنگی را کشف و ضبط کنند که در کشف سلاح جنگی در مقایسه با مدت مشابه در سال گذشته با افزایش ۲۶ درصدی روبه رو هستیم.

براساس اعلام سایت پلیس، گودرزی ادامه داد: در اواخر شهریور ماه سال جاری نیز دریابانان مرزبانی با توقیف یک لنج، بیش از پنج هزار تیفه چاقو و قمه را در آب‌های جنوبی کشور کشف و ضبط کنند.

فرمانده مرزبانی فراجا خبر داد:

کشف محموله کلت‌کمری در شرق کشور

کودک‌کش اسرائیل و ایادی آنها بود، دشمنان با سوء استفاده از افراد مزدور و قریب خورده در داخل کشور، مشکلاتی را برای امنیت شهروندان عزیز به وجود آوردند.

وی افزود: «مرزبانان با تشدید اقدامات کنترلی و امنیتی در نوار مرزهای جمهوری اسلامی ایران در روز گذشته توانستند با اقدامات اطلاعاتی از فعالیت اعضای یک باند قاچاق سلاح و مهمات که قصد جا به جایی محموله سلاح و مهمات با استفاده از یک دستگاه خودرو را داشتند، مطلع و موفق شدند خودرو حامل سلاح را شناسایی و توقیف کنند. مرزبانان در بازرسی از خودروی توقیفی ۸۵ قیضه سلاح کلت کمری را کشف و یک



فرمانده مرزبانی فراجا از زمین‌گیر شدن باند قاچاق سلاح و مهمات در هنگ مرزی چکیگور خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، سردار احمدعلی گودرزی گفت: در جریان اغتشاشات اخیر در کشور که منشا آن کشور خبیث آمریکا و رژیم

فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش اعلام کرد:

کمتر از ۵ دقیقه؛ مدت زمان برخورد موشک باور ۳۷۳ به هدف



فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش گفت: سامانه باور ۳۷۳ در فاصله ۴۰۰ کیلومتری روی هدف قفل اولیه انجام می‌دهد و کمتر از ۵ دقیقه طول می‌کشد تا موشک آن به هدف برخورد کند. امیر سرتیپ علیرضا صیاحی فرد با اشاره به ویژگی‌های سامانه ارتقا یافته باور۳۷۳، افزود: این سامانه در فاصله ۴۰۰ کیلومتری روی هدف قفل اولیه انجام می‌دهد و در ۲۶۰ ثانیه قیقه قفل قفل پایدار می‌کند و کمتر از ۵ دقیقه طول می‌کشد تا موشک آن به هدف برخورد کند. سرعت موشک بالای ۱۸۰۰ متر در ثانیه است و بالای ۱۱۰ هزار پا ارتفاع می‌گیرد.

وی افزود: ما در آزمایش اخیر موفق شدیم در برد ۳۰۴ کیلومتری، پهپاد را هدف قرار دهیم، در

تهران بزرگ و پس از تصویب سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در منطقه اجرا شد. وی احداث رقیوژ میانی، ایجاد راستگرد، پهلوگاه اضطراری، پیاده رو، اجرای جدول … را از طرح‌های اجرا شده دانست که به طول بیش از یک کیلومتر در معابر درون شهری شمال تهران اجرا شده است. معاون شهردار منطقه یک احداث دو پهلوگاه اضطراری

یک شناسایی و با اجرای طرح‌های ترافیکی ایمن سازی شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه یک، علیرضا اسفراینی با اعلام خبر فوق افزود: طراحی و اصلاح هندسی‌های معابر سطح منطقه به منظور ایجاد دسترسی ایمن و روان، رفع نقاط حادثه خیز و گره‌های ترافیکی با بررسی کارشناسان و درخواست پلیس راهنمایی و رانندگی

رفع خطر از نقاط حادثه خیز شمال تهران

معاون شهردار منطقه یک گفت: معابر و نقاط حادثه خیز شمال تهران را رصد کارشناسان ترافیک شهرداری منطقه

دادستان تهران: ۷۵ هکتار زمین در منطقه ۱۹ رفع تصرف شد

خیابان شقایق نیز بزرگراه آزادگان و حداقل بزرگراه شهید کاظمی تا خیابان سهیل جنوبی با سرعت زیادی اقدام به ساخت وساز کردند که با گزارش‌های شهرداری تهران و دستورات دادستانی رفع تصرف در سه مرحله و به صورت کامل انجام شد.

دادستان تهران تصریح کرد: آزادسازی در سه مرحله انجام شده که روز جمعه و در مرحله سوم نیز ۵۰ باب واحد تجاری غیرمجاز تخریب، ۵ هکتار زمین رفع تصرف شده و مابقی سازه‌های غیرقانونی نیز به طور کامل توسط نیروهای حاضر در صحنه، تخریب و از دست سودجویان آزاد شده است.

وی افزود: منابع بیت المال و اموال مردم خط قرمز دستگاه قضایی است و با کسانی که قانون را نادیده می‌گیرند هیچگونه مماشاتی نخواهد شد.



آگهی نوبت اول
سهام داران محترم شرکت تعاونی حمل و نقل کامیونداران خود راننده خوزستان – اهواز
احتراماً با عنایت به رای شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز به شماره ۹۸۰۹۹۷۶۱۱۰۸۰۰۶۳۸ مبنی بر اعاده وضع شرکت به حالت پیش از انحلال و آغاز فعالیت مجدد و تأیید آن حکم توسط شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر و نیز بند یک صورت جلسه شماره ۱۸۰۶۰ مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۲ اداره تعاون استان خوزستان مبنی بر به روز رسانی این شرکت تعاونی و نیز ضرورت تعیین تکلیف اعضاء از جنابعالی دعوت می‌شود ظرف مدت دو هفته از انتشار این آگهی و یا در یافت دعوت‌نامه با در دست داشتن کلیه مدارک مثبته مبنی بر سهام دار بودن به دفتر شرکت مراجعه و یا از طریق تماس تلفنی ۰۹۹۲۷۱۸۷۰۲۵ وضعیت خویش را مشخص نمایید. عدم مراجعه شما به منزله انصراف از عضویت در شرکت تعاونی تلقی می‌گردد و طبق قانون تعاونی عضویت شما از شرکت از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.
عبدالرضا حمید – مدیرعامل شرکت تعاونی حمل و نقل کامیونداران خودراننده خوزستان – اهواز

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن شماره دو کارکنان پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران به شماره ثبت ۵۳۲۵۱۱

بدینوسیله مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده (نوبت اول) در روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ ساعت ۱۴:۰۰ با رعایت پروتکل های بهداشتی در محل پروژه تعاونی واقع در تهران- بزر گراه شهید خرازی- میدان موج- بلوار علامه قزوینی- بین میلاد۳و۲(پروژه باران) برگزار می شود.لذا از کلیه اعضاء محترم تعاونی دعوت بعمل می آید شخصاً یا وکالتاً جهت انتخاب تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانید.اعضاء متقاضی به اعطای وکالت می بایست به همراه وکیل خود حداقل تا ۲۴ ساعت مانده به تشکیل مجمع در محل دفتر تعاونی شرکت جهت شناسایی و اخذ برگ ورود به جلسه حضور یابند.تأیید وکالت های موضوع با امضاء مدیر عامل و بازرس شرکت و مهر تعاونی معتبر خواهد بود. داوطلبین تصدی بازرسی موظف هستند حداکثر تا مدت ۵ روز آگهی مجمع درخواست کتبی خود را مطابق فرم ارسالی تکمیل و به همراه مدارک درج در فرم مربوطه به دفتر تعاونی ارائه نمایند.

دستور جلسه:

- ۱- ارائه گزارش پیشرفت پروژه
- ۲- تعیین حق الزحمه اعضاء شاغل هیئت مدیره و بازرس
- ۳- انتخاب بازرس
- ۴- ارائه گزارش و بررسی چالش های پیش رو
- ۵- ثبت قرارداد بین تعاونی و اعضاء فاقد قرارداد
- ۶- تصویب صورت های مالی سال ۱۴۰۰
- ۷- تعیین وضعیت اعضاء بدهکار
- ۸- تصویب حقوق و مزایا و پاداش هیات مدیره
- ۹- تصویب بودجه براساس مترائز جدید

هیئت مدیره تعاونی مسکن